



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

**«بررسی و تحلیل مفهوم «درد و رنج» در نگاه شاعران زن معاصر با
تأکید بر اشعار «فروغ فرخزاد» و «سیمین بهبهانی»**

استاد راهنما:

دکتر مصطفی گرجی

استاد مشاور:

دکتر فاطمه کوپا

توسط:

محمد رضا کهندانی

پاییز ۱۳۸۸



تقدیم به ساحت قدسی

مهدی موعود بود جمع جمع دست تلفت به سر ما کشد
در همه ادوار بود شمع جمع تا همه را سوی تولی کشد
و به آن دو بزرگوار، پدر و مادرم که با صبر و پاکیشان راه مهرورزی و عشق مقدس را به
من آموختند.
و به همه‌ی برادران و خواهران رنج کشیده‌ام
و به دوستانم که همیشه با سادگی و صداقتشان همراه من بودند.

تشکر و قدردانی

از صبراستاد بزرگوار جناب آقای دکتر مصطفی گرجی، که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند تشکر و قدردانی می‌کنم. چرا که علاوه بر فزونی دانش این حقیر پنجره‌ای پر نور از درد را در زندگی این جوینده حقایق گشودند، ضمن آرزوی توفیق صحت جسم و جان ایشان را از درگاه یزدان پاک خواستارم.

برای استاد مشاور، خانم دکتر فاطمه کوپا، آرزوی کمال صحت و سلامت را دارم و از همه اساتیدی که چراغ اشراقی برای جویندگان فرهنگ، دانش و معرفت بوده‌اند سپاسگذاری می‌کنم زیرا به کسی که به من خدمت کرده بیش از همه کس مدیونم لذا از قلب خویش به آنها می‌بخشم و به آنها خدمت می‌کنم.

چکیده

«درد و رنج» به عنوان یک از وجوه تراژیک زندگی از جمله مسائلی است که هر انسانی در طول حیات خود، خواسته یا ناخواسته با آن مواجه بوده و خواهد بود. این مسأله در شعر معاصر و بویژه شعر شاعران زن به گونه ای برجسته و خاص منعکس شده است که بررسی و تحلیل این مسأله به کاوش و تأمل بسیاری نیاز دارد. در این پژوهش با توجه به شعر شاعران زن معاصر یعنی فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی به عنوان مدخل ورود به بحث و در بخش ماهیت شناسی، سعی شده است تصویر جامعی از این مسئله عرضه شود. در ادامه بررسی فلسفه وجودی درد و رنج و زیر مجموعه‌های آن به انواع درد و رنج (گریز پذیر و گریز ناپذیر)، علل درد و رنج و راه‌های رهایی از آن پرداخته شده است. در بخش «غایت شناسی و هدف درد و رنج» نیز سعی بر این بوده تا دیدگاه این دو شاعر در مورد درد و رنج بررسی شود. و در ادامه «وظیفه شناسی درد و رنج» در شعر آن دو نشان داده شده است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته در چهار فصل تقسیم بندی شده است. در فصل اول موضوع پایان نامه و مسئله تحقیق و اهمیت و زوایای مختلف آن بررسی شده است و در ادامه شناختی کلی از «درد و رنج» در چهار بخش (الف؛ ماهیت شناسی ب؛ وجود شناسی ج؛ غایت شناسی د؛ اخلاق شناسی) عرضه شده است. در فصل دوم، بررسی و تحلیل مفهوم «درد و رنج» همراه با چهار شاخصه فوق در مجموعه اشعار «فروغ فرخزاد» صورت گرفته است. در فصل سوم، بررسی و تحلیل مفهوم «درد و رنج» در چهار محور یاد شده در مجموعه اشعار «سیمین بهبهانی» صورت گرفته است. در فصل چهارم نیز نتیجه‌ی تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در مجموعه‌های شعری این دو شاعر زن معاصر ذکر گردیده است که نشان دهنده وجوه افتراق و اشتراک این دو شاعر در شناخت درد و رنج و چگونگی برخورد با آن است. بطوری که نگاه فروغ فرخزاد در ابتدا در حوزه معرفت شناختی عاشقانه، بدون تفکر و افراطی است. در حالی که سیمین بیشتر، رویکرد خرد ورزانه دارد. از نکات مشترک هم می‌توان به بحث انواع دردها اشاره کرد که هر دو شاعر در مورد دردهای گریزناپذیر به مؤلفه‌های مشترکی چون (مرگ اندیشی، سرنوشت و تقدیر، فنا و نیستی، عدم، گذر زمان) نظر دارند. واژگان کلیدی: درد و رنج - شاعران زن - ادبیات معاصر - فروغ فرخزاد - سیمین بهبهانی

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	فصل نخست: کلیات، تعاریف و مفاهیم.....
۳	بخش اول: تعریف مساله و بیان سوال های تحقیق.....
۴	فرضیات تحقیق.....
۴	سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۴	اهداف تحقیق.....
۴	نگاهی اجمالی به مجموعه تحقیقات پیرامون فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی.....
۵	بخش دوم: معرفت شناسی و حدود درد و رنج.....
۵	ماهیت شناسی و کلیاتی درباره مفهوم درد و رنج.....
۱۰	۱. معناشناسی و ماهیت درد و رنج.....
۱۴	۲. وجود شناسی درد و رنج.....
۱۵	۱-۲. انواع درد و رنج.....
۱۹	۲-۲. علل درد و رنج.....
۲۰	علل درد و رنج با رویکرد معرفت شناسی و پدیدار شناسانه.....
۲۰	علل درد و رنج با توجه به عنصر زمان و دوره.....
۲۱	الف) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان پیشین.....
۲۴	ب) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان امروزی.....
۲۸	۲-۳. راههای رهایی (دفع یا رفع) از درد و رنج.....
۳۱	۳. غایت شناسی درد و رنج.....
۳۲	۴. وظیفه شناس یا اخلاق درد و رنج.....
۳۳	تجلی اصل در انسانی در ادبیات منظوم.....
۳۹	فصل دوم: بررسی و تحلیل مفهوم درد و رنج در مجموعه آثار فروغ فرخزاد.....
۴۰	مقدمه.....
۴۱	ادبیات معاصر طلوع زنانگی.....
۴۳	سال شمار زندگی و آثار فروغ فرخزاد.....
۴۸	نگاه فمینیستی، جامعه شناختی و روانشناختی به اشعار فروغ فرخزاد.....
۴۸	الف) نگاه فمینیستی:.....

ب) نگاه جامعه شناختی.....	۵۰
ج) نگاه روانشناختی.....	۵۰
معرفت شناسی درد و رنج در نظام فکری فروغ فرخزاد.....	۵۱
معناشناسی و ماهیت درد و رنج.....	۶۲
وجود شناسی درد و رنج.....	۶۷
۱.انواع درد و رنج.....	۶۹
الف) دردهای گریز ناپذیر.....	۶۹
ب) دردهای گریز پذیر.....	۷۴
۲.علل درد و رنج.....	۸۲
علل درد و رنج با رویکرد معرفت شناختی و پدیدار شناختی.....	۸۲
علل درد و رنج با توجه به عنصر زمان و دوره.....	۸۳
الف) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان پیشین.....	۸۴
ب) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان امروزی.....	۸۹
۳.راههای رهایی (دفع یا رفع) از درد و رنج.....	۹۹
غایت شناسی درد و رنج.....	۱۰۵
وظیفه شناسی یا اخلاق درد و رنج.....	۱۰۶
فصل سوم: بررسی و تحلیل مفهوم درد و رنج در مجموعه آثار سیمین بهبهانی.....	۱۰۸
مقدمه.....	۱۰۹
سال شمار زندگی و آثار سیمین بهبهانی.....	۱۱۰
نگاه فمینیستی، جامعه شناختی و روان شناختی به اشعار سیمین بهبهانی.....	۱۱۱
الف) نگاه فمینیستی.....	۱۱۱
ب) نگاه جامعه شناختی.....	۱۱۲
ج) نگاه روان شناختی.....	۱۱۲
معرفت شناسی درد و رنج در نظام فکری سیمین بهبهانی.....	۱۱۳
معناشناسی و ماهیت درد و رنج.....	۱۱۵
وجود شناسی درد و رنج.....	۱۱۶
۱.انواع درد و رنج.....	۱۱۷
الف) دردهای گریز ناپذیر.....	۱۱۸
ب) دردهای گریز پذیر.....	۱۲۱
۲.علل درد و رنج.....	۱۲۷

۱۲۷	علل درد و رنج با رویکرد معرفت شناختی و پدیدار شناسانه.....
۱۲۹	علل درد و رنج با توجه به عنصر زمان و دوره.....
۱۲۹	الف) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان پیشین.....
۱۳۲	ب) علل درد و رنج با توجه به نگاه انسان امروزی.....
۱۳۹	۳. راههای رهایی (دفع یا رفع) از درد و رنج.....
۱۴۲	غایت شناسی درد و رنج.....
۱۴۳	وظیفه شناسی یا اخلاق درد و رنج.....
۱۴۵	فصل چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۵۰	منابع و مآخذ.....

مقدمه

سپاس بیکران و درود فراوان آفریدگاری را که سخن در زبان آدمیان آفرید و درونش را به چراغ اندیشه و نور معرفت روشنائی بخشید، او پیامبران را بر انگیخت تا پیام هدایت خویش را به گوش تشنه کامان اسرارش بخوانند و دست ما را بگیرند تا بر آستان راستانش قدم برداریم.

لسان شعر که زیباترین لسان است. برای نمودار ساختن میزان و منزلت دردمندی انسانهای آگاه و مسئول در برابر رنجها و مرارت‌های ناتوانان و گرفتاران جوامع انسانی، آثاری بدیع خلق می‌کند که برای همه‌ی عصرها و نسلها راه گشا و کمال آفرین است.

شعر معاصر ذخیره‌ای عظیم است از طیف‌های مختلف رنجهای بشریت و شاعران معاصر زبان گویایی از «درد و رنج» و حکایت گران صادقی هستند از نقصانها، کاستیها، تضادها، دروغها، دورنگی‌ها، استعمارگری‌ها، استثمار طلبی‌ها، یأس و ناامیدی‌ها، بی‌ایمانی‌ها، فریبها، باورهای سست، زخم زبانها، تهمت‌ها و ... آنهايي که؛ پرچم داران گوهر عظیم عشق در عصر حاضر به حساب می‌آیند و طعم گزنده‌ی هوای غریبانه را به جان خریدند تا این ثروت روح پرور را صیقل دهند. بازتاب «درد و رنج» در اشعار شاعران معاصر، ما را بر آن داشت تا نگاهی عمیق و وسیع به آثار منظوم این دو شاعر زن معاصر بیندازیم. با این توجه این پژوهش برپایه‌ی «بررسی مفهوم «درد و رنج» در مجموعه اشعار قیصر امین پور (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۳۰) در چهار محور (الف؛ ماهیت شناسی ب؛ وجود شناسی «۱- انواع ۲- علل ۳- راههای رهایی» ج؛ غایت شناسی د؛ وظیفه شناسی یا اخلاق درد و رنج) بنا شده است.

مجموعه اشعار فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی نیز در حول این چهار محور بررسی و تحلیل شده است نمونه‌های شعری که در این پژوهش به عنوان شاهد آورده‌ایم به ترتیب اهمیت تنظیم شده است و بقیه‌ی شواهد مثال فقط ارجاع داده شده است. ارجاعات در پایان شواهد مثال صورت گرفته، که نام خانوادگی نویسنده، سال نشر و شماره صفحه آن ذکر شده است. در انتهای پژوهش پس از نتیجه‌گیری که بررسی نقاط اشتراک و افتراق میان دو شاعر نامبرده است. منابع مورد استفاده نیز به ترتیب حرف اول نام خانوادگی پدید آور ذکر شده است.

فصل نخست:
کلیات، تعاریف و مفاهیم

بخش اول:

تعریف مسأله و بیان سؤالهای تحقیق

یکی از واژگان و تعابیر مقدس در متون عرفانی و قاموس فلاسفه و ادبا و یکی از هفت پرسش اصلی در طول تاریخ مفهوم «درد و رنج» است که در گفتار و نوشتار بزرگان دین، هنر و ادب به صورتهای مختلفی متجلی شده است. مقصود از «درد و رنج» در یک نگاه فراگیر مجموعه احوال و احساساتی است که حاصل تعارض باورها و تصورات مطلوب انسان با واقعیت‌های موجود است.

باتوجه به این مسأله واژه «درد و رنج» با واژگان دیگری همچون غم، اندوه و ... شبکه معنایی گسترده‌ای را ایجاد می‌کند که بررسی انعکاس این تعابیر در متون ادبی بویژه در برخی از متون ادبی معاصر توجه هر خواننده‌ی نقادی را به خود معطوف می‌سازد. مجموعه گفتار و نوشتارهایی که از خلال متون ادب فارسی چه متون متقدم و چه متون معاصر بررسی شده گواهی می‌دهد که مفهوم «درد و رنج» یکی از پر بسامدترین مفاهیم در حوزه معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متون ادب فارسی است.

بر این اساس یکی از مفاخر بزرگ در ادب فارسی معاصر از میان افرادی همچون سهراب، نیما، توللی و ... بدون شک «فروغ فرخزاد» است که در سه اثر ابتدائی خود (اسیر، دیوار، عصیان) و آثار دوران بلوغ فکری او (تولدی دیگر، ایمان بیاوریم به آغار فصل سرد) با محوریت «درد و رنج» تصویری جامع از وضعیت زن معاصر و اجتماع زمان خود را بدست می‌دهد.

با توجه به اینکه یکی از بزرگان شعر و ادب در دوران پیش و پس از انقلاب «سیمین بهبهانی» است و نظر به اینکه هر دو این بزرگان نگاههای تازه در این حوزه داشته‌اند، ما نیز با توجه به چارچوب کلی موضوع «درد و رنج» (ماهیت‌شناسی، وجود‌شناسی، غایت‌شناسی و شأن اخلاقی «درد و رنج») به تحلیل و بررسی در آثار دو شاعره بزرگ معاصر می‌پردازیم.

۱) درد و رنج‌های انسان به معنای مطلق و زن به عنوان یک جنس در آثار «فروغ فرخزاد» چگونه بازتاب یافته است؟

۲) درد و رنج‌های انسان به معنای مطلق و زن به عنوان یک جنس در آثار «سیمین بهبهانی» چگونه بازتاب یافته است؟

۳) وجوه اختلاف و اشتراک فروغ و سیمین با توجه به (ماهیت‌شناسی، وجود‌شناسی، غایت‌شناسی و شأن اخلاقی «درد و رنج») چیست؟

فرضیات تحقیق

۱) با توجه به مجموعه اشعار فروغ، به ویژه بخشهای پایانی، اشعار او بازتاب «درد و رنج» های انسان و مخصوصاً زن است.

۲) به نظر می رسد بخش زیادی از آثار «سیمین بهبهانی» بازتاب «درد و رنج» های انسان و مخصوصاً زن است.

۳) به نظر می رسد نقطه‌ی اشتراک این دو شاعره‌ی بزرگ را می توان در این موضوع مشاهده کرد که مسأله «درد و رنج» در آثار این دو به یک اندازه دارای اهمیت است و اختلاف را می توان در میزان اهمیتی که این دو به برخی جنبه‌های «درد و رنج» داده‌اند مشاهده کرد.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

به غیر از مقاله‌ای از جناب استاد مصطفی ملکیان با عنوان «درد از کجا؟ رنج از کجا؟» و مقاله‌ای با عنوان «معرفت شناسی درد و رنج» در آثار قیصر امین پور اثر دیگری از موضوع «درد و رنج» تاکنون به ثبت نرسیده است.

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی آثار شاعران معاصر با تأکید بر مسأله «درد و رنج» انسان در نگاه هنرمند زن معاصر است.

نگاهی اجمالی به مجموعه تحقیقات پیرامون «فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی»

در مورد «فروغ فرخزاد» تحقیق و پژوهش‌های مهمی در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه صورت گرفته است. از جمله منابع مهم می توان به «نگاهی به فروغ» از دکتر سیروس شمیسا، انتشارات مروارید، چاپ سوم، سال ۱۳۷۶ اشاره کرد که نویسنده در آن به شرح و توضیح اشعاری از (تولد دیگر و ایمان بیاوریم به...) پرداخته است. «در جستجوی جانب آبی» از سعید یوسف نیا انتشارات معیار، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ که نویسنده در آن به بررسی اشعار مهم شاعر پرداخته است. در این میان می توان به مقاله‌هایی همچون «فروغ: بیان جنون آمیز زنانگی» نوشته دکتر روح انگیز کراچی، مجله‌ی زنان (سال پنجم، شماره ۱۰۷: ۷۴ تا ۷۹) و نوستالوژی دهه‌ی چهل که تحلیلی است بر کتاب «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» نوشته‌ی سعید سلطانی طارمی در مجله‌ی چیستا، ۱۳۸۰ اشاره کرد.

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در مورد سیمین هم می توان به کتاب «زنی بادامی شعر» نوشته‌ی علی دهباشی، انتشارات نگاه، سال ۱۳۸۳ اشاره کرد که حاوی یک سری تحلیل بر اوزان شعری و شرح مختصری بر اشعار سیمین است. در انتها می توان به تحقیقات پایان نامه‌ای که در مورد هر دو شاعر معاصر صورت گرفته اشاره کرد از جمله «نقد آثار شاعران زن معاصر» به کوشش فاطمه نیک نفس، (سال ۱۳۸۳: شماره‌ی بازیابی ۲۶۸۲۶-۵۱) که در سه حوزه از نقد (فمینیستی، روان شناختی، جامعه شناختی) در مجموعه اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی جمع آوری شده است.

بخش دوم: معرفت‌شناسی و حدود «درد و رنج»

ماهیت‌شناسی و کلیاتی درباره مفهوم «درد و رنج»

«یکی از واژگان شریف و مقدس و در عین حال چالش‌برانگیز در قاموس فلاسفه و علمای ادیان، واژه «درد و رنج» است که خود حاصل تعارض باورها و تصورات انسان با واقعیت‌های موجود بوده و صد البته درباره‌ی تعریف و حدود آن؛ در حوزه‌های زیستی، روانشناسی، فلسفی و... دیدگاه‌های متفاوتی عرضه شده است درباره‌ی خاستگاه و منشأ درد و رنج با توجه به زاویه دید، باورهای مختلفی وجود دارد. یک نوع از منظر پدیدارشناسی (تأثیر انسان از درد و رنج) نوع دیگر از نظر گستره زمان و دوره است. با این توجه منشأ درد و رنج در نگاه صاحبان درد در هر دوره با ادوار دیگر متفاوت بوده و لاجرم با توجه به شرایط ویژه باورهای خاصی عرضه شده است». (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۳۰) «در خصوص رنج شاید بتوان گفت که: هر وقت انسان احساس کند از وضع مطلوبش دور افتاده، آرامش از او سلب می‌شود و به هر حال چه در ساحت جسم و بدن و چه در ساحت روان و نفس وقتی انسان در یک وضع نامطلوب قرار گیرد یا از آنها دور افتد احساسی به انسان دست می‌دهد که از آن تعبیر به رنج می‌شود». (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۹)

«به طور کلی مهم‌ترین علل درد و رنج را می‌توان در تعارض تصورات برساخته انسان با جهان خارج تصور کرد». «همچنین با توجه به عنصر زمان مهم‌ترین عامل درد بیشتر با نگاه انسان امروزی (چهار عنصر محرومیت از حقوق بشر، محرومیت از حقوق طبیعی، نابسامانی ذهنی و روانی و اینجایی و اکنونی نزیستن) است». (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۳۰) «گذشته از این می‌توانیم رنجها را به دو قسمت تقسیم کنیم. رنجهایی که نوع بشر از آن حیث که بشر است دارد و فرقی نمی‌کند که غنی باشد یا فقیر، فرهیخته باشد و یا نافرهیخته، سفید پوست باشد یا سیاه پوست. این رنجها اختصاص به هیچ شخص خاصی ندارد مثل رنجی که از تنهایی یا از احساس زودگذری می‌کشیم یا رنجی که از فقدان عدالت می‌بریم در مقابل رنجهایی است که شخصی است و هر کس در راستای هدفهای مختلف بعضی از آنها را تجربه کند». (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۹)

بدون درد و رنج زیستن برای هیچ انسانی ممکن نیست چرا که انسان بودن و انسانی زیستن و انسانی

مردن عصاره درد و رنج را می‌طلبد، آگاهی از بودن این عصاره در انسان شناخت و معرفی می‌خواهد تا در برابر آن بتواند به بهترین نحو عکس‌العمل نشان دهد. چستی و چگونگی درد و رنج و نوع برخورد در برابر شکلهای مختلف آن مقوله‌هایی است که در این پژوهش به تبیین آن خواهیم پرداخت، اینکه ما با چه مسئله‌ای روبرو هستیم و شناخت در مورد آن و در مقام یک ناظر بر محیط اطراف، انسانها، طبیعت، اعتقادات، ادیان، برخوردهای اجتماعی، منازعات فرهنگی، جنگها و کشمکشهای داخلی و خارجی دولتها و همه‌ی این موارد و موضوعهای اضافه بر اینها و نگاههای متفاوت بر اینها دیدگاههای مختلف در باره‌ی موضوعهای یاد شده، در درجه اول به جریان شناخت و آگاهی انسان بستگی دارد و در مرحله‌ی بعد به انتخاب او و پرداختن به انواع مقوله‌های ذکر شده وابسته است. در همین ابتدا این نکته گفتنی است که انسان در مقام یک ناظر آگاه آشنا و به مرحله‌ی شناخت رسیده هیچ‌وقت نمی‌تواند روی آرامش را ببیند:

«آدمی تا این آگاهی و نظر از بالا را نداشته باشد آرامش دارد و به تعبیر دیگر آرامش ناشی از حماقت کم نیست و آرامش ناشی از جهالت زیاد است. آدم وقتی جهالت را از دست بدهد طبعاً خیلی از آرامشها را هم از دست می‌دهد. کسی هست که آرامش را بخواهد با وجود حماقت و جهالت و انسانی هم هست که خواهان سلب آرامش و وجود «درد و رنج» است و این بستگی به خود انسان دارد. البته شخصیت روانی و تیپولوژی انسانها هم در این زمینه مؤثر خواهد بود به گونه‌ای که اگر شخصی حقیقت و شناخت برایش بسیار مهم باشد حتی به قیمت سلب آرامش، با این همه آگاهی و شناخت را بسیار با ارزش می‌داند البته خلاف این امر هم وجود دارد با عدم توجه به محیط اطراف، اجتماع، انسانها و آنچه تا به حال ذکر شد به یک مسئله کلی بستگی دارد و آن تعیین تکلیف انسان برای خود انسانی‌اش است» (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۹) تا زمانی که نتوانیم روح و روانی متعهد و مکلف پرورش دهیم نخواهیم توانست صاحب درد و رنج تعالی بخش و انسان‌ساز باشیم و تنها با تعهد و تکلیف انسان می‌تواند با دیدگاهی متفاوت مواردی را تجربه کند و با مسئول دانستن خود به عنوان یک انسان در برابر هر درد و رنجی عکس‌العملی متناسب با آن را در خود نشان دهد.

انسانی با این طرز تفکر و با این هدف نیازهایی متفاوت از انسان عادی دارد در واقع دردمند به دنبال رشد انسان است آن هم از راه رسیدن به نیازهایی که ریشه در طبع آدمی دارد. آن چیزهایی که روح و

روان برای تعالی و انسانیت نیاز به هماهنگی با آن دارد.

با توجه به این مقدمات بدون تردید «درد و رنج» همان عصاره‌ی روح پرور و همان دنیای جدیدی که در درون افکار انسان دیدی نوین را بنا کرده است، راهی است که اگر ما آدمهای معمولی با زاویه دیدهای خودمانی به انسانی با این طرز فکر نگاه کنیم فقط گمان می‌بریم که فرد مورد نظرمان مورد هجوم نوعی روان پریشی و عدم تصمیم‌گیری عاقلانه است. این انسان متفاوت تمام تلاش خود را به ایجاد نیازهای عینی متمرکز کرده، نیازهایی جدا از نیازهایی که به طور ذهنی حس می‌شوند و ارضاء آنها لذت آنی دارد.

دردمند می‌خواهد با تحمل مشقت‌های زیاد ولی با روحی سرشار از آرامش و نشاط به تعالی برسد ثمره‌ی بودن «درد و رنج» برای انسانهای آگاه و جویای حقیقت تکاپویی است که دچار آنها می‌شوند و این انسانها را برمی‌انگیزد تا بتوانند بر ناملايمات پیروز شوند. در واقع این تلاش و وظیفه‌شناسی چهره‌ای از بودن را برای خود فرد به ارمغان می‌آورد (بودنی که در مراحل بعد بیشتر راجع به آن بحث خواهیم کرد).

اگر چه انسان در ابتدا رنجی بی‌شمار را تحمل می‌کند ولی رضایت و آرامشی که در ورای این رنج در روح حاصل می‌شود برای فرد کفایت می‌کند.

«درد و رنج» در همه شئون انسانی و به عنوان ویژگی انفسی فرد نقش سازندگی و تعالی بخشی خود را حفظ می‌کند. تفاوتی نمی‌کند که انسانی از گناه کردن دچار «درد و رنج» شود یا نامطلوب انگاشتن وضعیت زندگی افراد بشر یا رنج کشیدن مردم در زیر فشار ستم و استبداد و استعمار آنها در مقابل دیدگان انسانی که حس مسئولیت در او برانگیخته شده است.

«شاعر از میان انواع رفتارها؛ یعنی مخالفت با مسئولیت، عدم وقوف به مسئولیت بی تفاوتی نسبت به مسئولیت، انتخاب می‌کند که مسئول باشد. این انتخاب می‌تواند ناشی از دگرگونی‌های مختلف ذهنی باشد که به او دست داده است. ناشی از تربیت خانوادگی، طبقاتی، فرهنگی، اجتماعی و و شاید ناشی از روابط بسیار خصوصی و یا عمومی فرد با جهان خارج باشد که انسان را به درجه‌ای از نوعی شفافیت فلسفی رسانده است» (براهنی، ۱۳۷۱: ۳۱۲)

انسان در مسیر زندگی خود با طیف وسیعی از پرتوافشانی‌های «درد و رنج» برخورد می‌کند: رنجی که

در حرکت به سوی تعالی و متابعت از اصول و احکام آئین و شریعت خود بر دوش می‌کشد که این نوع از «درد و رنج» برای همیشه همراه او خواهد بود. که کم یا زیاد بودن درجه‌ی آن نشانه‌ی گرایش و حرکت در مسیر و یا انحراف فرد از راه درست است، رنجی که نشانه‌ی مسئولیت فردی است، رنجی که نشانه‌ی عشق ورزی است، رنجی که نشانه‌ی جهانی شدن انسان است، جهانی شدن تمامی نگاه و اندیشه‌ی فرد که در این مرحله انسان دیگر به «من» فردی خود نمی‌اندیشد بلکه افق نگاه او بشریت و آرمان او انسانیت است.

اصل و ارزش درد انسانی قبل از آنکه در ادبیات منظوم و منثور ما جای پای پیدا کند، در فرهنگ و تفکر اسلامی به زیبایی هر چه تمامتر مطرح می‌شود. و آموزه‌ها و تعالیم دینی با توصیه‌های مکرر، پیروان اسلام را به احساس درد و مسئولیت در برابر گرسنگان و تهی‌دستان و غمگساران فرمان می‌دهد. نه تنها آموزه‌ها و دستورالعمل‌های دینی به احساس درد انسانی و مشارکت در غم و فقر و محرومیت اجتماعی ترغیب می‌کنند، بلکه سیره و روش عملی همه پیشوایان دین، حضور مؤثر و مستمر در تنگناها و مرارت‌های زندگی محرومان و مظلومان جامعه و یاری‌رسانی عملی به آنان بود. و رسیدگی به یتیمان، مظلومان، گرفتاران و تهی‌دستان جامعه از وظایف و مسئولیتهای مهم آنان محسوب می‌شد و در هیچ شرایطی از آن غفلت نمی‌ورزیدند.

باتوجه به این نکات باید گفت یکی از مسائل مهم در حوزه مواجهه با درد و رنج، اختیارواراده انسان است. اختیار و انتخاب که با آن انسان شرایط مسیحی دین دار بودن را انتخاب می‌کند، نه از آن می‌گریزد و نه درباره‌اش شکوه می‌کند. او می‌داند که با رنج کشیدن آن هم رنج اینجائی و اکنونی، آنچنان که مسیح رنج کشید می‌توان با مسیح هم عصر گشت.

در این مسئله دو اراده در کار هستند: یکی اراده‌ی انتخاب‌گر فرد برای گذر از این دشواری و مسیحی حقیقی شدن و دیگری اراده‌ی خداوند که رنج و محنت را بر چنین فردی فرو می‌فرستد.

"نشو و نما یافتن در چنین مکتبی لازمه‌اش پرهیز از امید بستن به این جهان، انقطاع از تعلقات و امید به شادی زندگی دیگر و ابدیت است؛ که پولس رسول فرمود: «اگر ما فقط به این جهان امیدوار باشیم نگون‌بخت‌ترین مردمانیم» انسان باید موازی با رنج کشیدن اطاعت و تسلیم را نیز بیاموزد تا به ایمان دینی خود راه یابد، در عین پاکی و طهارت رنج کشیدن برای تحقق و تثبیت آرمانها و تعالی بخشی

انسانی، رنجی است از سر ایمان و یقین که تنها، ویژگی انسانهای متعهد و مسئول است» (نصرتی، ۱۳۸۵: ۲۴۷-۲۷۷)

اما آموختن صبر و شکیبایی و سرسپردگی مرحله‌ای است بس شگرف که تمامی اجزای تن آدمی را با میخهای این سه به دیوار آتشین زندان دنیا می‌کوبد و روح انسان را از میان جهالت رهایی می‌دهد تا به معرفت برساند این معرفت و ایمان حقیقی است که نتیجه بخش خواهد بود.

براین اساس، رنج، آزمایش و محک ایمان و معرفت حقیقی به خداوند است. افرادی وجود دارند که به نظر می‌رسد به اکراه و تنها بر اساس تجربه‌های شخصی به خداوند ایمان دارند؛ اگر در نتیجه‌ی ایمان و طلب مغفرت از جانب خداوند پاداش نیک دریافت کنند به او ایمان دارند و گرنه به کیفر گریند.

«و از میان مردم کسی است که خدا را با تردید می‌پرستد، پس اگر خیری به او رسد آرام گیرد و اگر آزمایشی (درد و رنج) پیش آید روی برتابد، در دنیا و آخرت زیان بیند و آن زبانی آشکار است.» (حج: ۱۱)

«خداوند در این کتاب آسمانی متذکر شده است که شرّ جزء ضروری مشیّت او است تا از این طریق بین صادق غیر صادقی حائل ایجاد شود و در نتیجه نه تنها شخصیت انسان را می‌سازد بلکه ماهیت واقعی او را نیز به نمایش می‌گذارد.» (تیواری، ۱۳۸۱: ۱۸۹)

نکات ذکر شده‌ی فوق از لونی دیگر در نظر «کرکگور» نیز شکل گرفته است، "او عقیده دارد پیروی از مسیح نقطه‌ی عطف مسیحیت حقیقی است. اما انسانها از آن پا پس می‌کشند، می‌گریزند و به راحت‌طلبی و لذت روی می‌آورند. اینجاست که غربال پذیرش و عدم پذیرش از دریچه‌ی انتخاب، کسانی را که بانفی خویش مسیحیت حقیقی را با شرایط آن می‌پذیرند از مسیحی نمایان جدا می‌سازد، هر چه این گزینش اختیاری، با دقت بیشتری صورت گیرد شمار مسیحیان حقیقی کم‌تر و کم‌تر می‌شود. اگر این نکته لحاظ نشود، افراد زیادی مسیحی به شمار می‌آیند، حال آنکه مسیحی حقیقی نیستند. رنج بردن آمیخته با مسیحیت حقیقی است و راحت‌طلبی ویژگی مسیحیت رایج" (نصرتی، ۱۳۸۵: ۲۴۷-۲۷۷)

«رنج و آلام مسیح در صلیب، به نگرش مسیحی در مورد رنج و آلام به عنوان نوعی لطف و موهبت در جامه‌ی مبدل دلالت دارد.» (تیواری، ۱۳۸۱: ۲۳۸)

انسان فارغ از تعالیم مسیحیت به رنج مبتلا می‌شود و هیچ پاداشی برای او در نظر گرفته نمی‌شود و این نتیجه‌ی محرز و کیفر گناه است. هیچ کس نمی‌تواند بدون مسئولیت زندگی کند و به کمال برسد، انسان محور مسئولیت فردی و اجتماعی است و در این راه متحمل رنج هم خواهد شد، اما رنج مسئولیت پذیری مسلماً ارزشمند خواهد بود و با رنج ناشی از عدم پذیرش مسئولیت و طلب لذت و راحتی کاملاً متفاوت خواهد بود.

از مسئولیت‌های اصلی و یا اصلی‌ترین مسئولیت هر فرد در نظر کِرکگور، مسئولیت پیروی از مسیح در رنج اوست.

پس از تحلیل درد و رنج از دیدگاه معرفت‌شناسانه، اینک برای شناخت بیشتر این مقوله از چهار محور ۱- معنانشناسی و ماهیت «درد و رنج» ۱- معنانشناسی و ماهیت «درد و رنج» ۲- وجودشناسی «درد و رنج» (انواع، علل و راههای رهایی) ۳- غایت‌شناسی «درد و رنج» ۴- وظیفه‌شناسی و اخلاق «درد و رنج» به بررسی و تحلیل مسئله «درد و رنج» می‌پردازیم.

۱. معنانشناسی و ماهیت «درد و رنج»:

"یکی از مهم‌ترین و در عین حال ابتدائی‌ترین نکات در مقام بیان مفاهیم انتزاعی از جمله مفهوم «درد و رنج» توجه به تعریف و ماهیت آن است، که شاعران معاصر ما در ابعادی گسترده بدان پرداخته‌اند» (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۳۰)

در این میان برخی از شاعران دردهایی را مختص به خود می‌دانند و صحبت از تفاوت میان دردهای خود و دیگران می‌کنند و از این نکته بر می‌آید که دردها می‌تواند به عمومی و خصوصی تقسیم شود. حتی در میان شاعران کسانی هستند که با اختیار و انتخاب به سمت درد رفته‌اند. آنهایی که تصاویر دل‌هاشان لبریز از سوز و درد آگاهی است که بازتابی از سرنوشت بشر با همه‌ی امیدها و پندارها و دردها و درماندگی‌ها و درمانهای اوست. از این رو اگر هنرمندانی در آینه‌ی ادب، آبی آسمان را با اصالتشان، سبزی جنگل را با روحشان و زلال آب را با صداقتشان نقش می‌زنند و اگر گروهی دیگر استواری کوه را با اراده‌شان مجسم می‌سازند، گروهی از شاعران متعهد دیگر نیز در این آینه‌ی خروش دریا را با فریادشان و سرخی خورشید را با دل به خون نشسته‌شان به تصویر می‌کشند. در آثار این دسته از شاعران که به معرفتی رسیده‌اند و یا رسالتی بر دوش خویش احساس می‌کنند نه آن گروهی که به

تعبیر فروغ فرخزاد «نان، نیروی شگفت رسالت آنان را مغلوب کرده است»، مشاهده می‌کنیم که سگهی زندگی دو رو دارد یک روی، درد است و روی دیگر عشق و بی‌شک نشان این دو پیش از آنکه در آثار این افراد متجلی باشد در وجود مسئول و نگاه آگاه و اندیشه‌ی بیدار آنان قابل رؤیت است.

« اینان در افکار و اندیشه‌های خود ساحت درد را عظیم و دامنه‌ی آنرا به میزانی مقدس می‌دانند که آنرا ریشه و اصل و اساس جاودانگی می‌دانند و همیشه طالب آن هستند. آگاهانه به سمت درد رفته‌اند، کسانی که با دیدی قدرتمند به دنیای درون و بیرون خود و قرارگرفتن در امواج شکننده‌ی زمان ایستاده‌اند و نگذاشتند که این جریانات روح آنها را تسخیر کند، انسان باید بایستد و بگذارد تا دنیا باهمه‌ی زشتی‌ها و زیباییهایش از او عبور کند و او راتسخیر کند شکی نیست که هر کس رنگ زمانه‌ی خودش را می‌گیرد اما در عین حال این شاعران رنگ نوع انسان را نیز دارند و زبان نوع بشر را بیان می‌کنند». (براهنی، ۱۳۷۱: ۵۷۵)

« شاعر با الزام کردن خود به این تعهد و مسؤولیت است که با دردها و رنجهای متفاوت در زمانهای مختلف دست و پنجه نرم می‌کند، او دیگر وضعیتش را با خودش مشخص کرده است: من رنج می‌کشم روح و تن خود را به درد می‌آرایم تا وجدان راحت و آرامش ابدی نصیبم شود، اگر من تعهدات خودم را زیر پا نگذاشته باشم آرامش دارم، آرامش انسان در گرو رعایت الزمهایی است که خودمان برای خودمان تعریف می‌کنیم لذا اگر من با خودم شرط کرده باشم که در هیچ وضع و حالی دست از حقیقت‌طلبی و خیر خواهی و عشق ورزی برندارم، ولی یکباره احساس کنم که خلاف حقیقت و عشق و عدالت رفتار کرده‌ام این حالت من را از حقیقت آرامش دور می‌کند». (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۹)

حقیقت آرامش در اینجا همان تعیین شده است که برای فرد مسیحی در سپهر دینی او وجود دارد. لذا در یک نگاه کلی «در سپهر دینی فرد مسیحی در اطاعت از دستورات مسیح و قبول تعهدات از او برای قرار گرفتن در مسیر حقیقت‌طلبی به رنجها و دردهایی مبتلا می‌شود که اینها را نه تنها بر نمی‌تابد بلکه با وجود این درد و رنج است که او به آگاهی از درست بودن حرکت خود دست می‌یابد.

با این توجه فرد دیندار هر چه می‌رود دردش افزون‌تر می‌شود و این نشان از این مهم است که پذیرش مسؤولیت سرآغاز پذیرش دردها و رنجهاست هر چه مسؤولیت خطیرتر درد و رنج بیشتر است و با این دردها و رنجهاست که انسان در ابعاد درونی و انفسی خود صعود و تعالی آگاه و روشن را می‌بیند،

شاعر تعالی را می‌بیند و فریاد می‌کشد که پیرو حقیقی اوست چرا که پس از پذیرش درد مسئولیت نمی‌ایستد و به سکون نمی‌گراید بلکه به تکاپو و تلاش می‌گراید او دل‌های سوخته از رنج را بوئیده، خونهای ریخته از درد را دیده و قلبهای پاره شده از مصیبت را لمس کرده است.

« شاعر یک فرد نیست یک اجتماع است و شعر او ندای بشریت است، او از «خود» و از «تن» که مخل کسب معرفت و بیان حقیقت است بیرون می‌آید چرا که «تن» انسان را به آشفتگی و ابهام می‌کشد و باعث می‌شود که دنیا را هنگامی که از پشت شیشه نگاه می‌کند تار ببیند، دیگر اینکه به عنوان منبع شهوات توجه او را از جستجوی معرفت و سیر در جهت حقیقت منحرف می‌کند. «تن» آکنده از شهوت و وهم و حماقت است و قدرت تفکر را عملاً از انسان می‌گیرد البته این باور در ادیان کهن نیز وجود داشته است. بنا به عقاید مانوی و اندیشه‌های گنوسی، این جهان، جهانی است بد فعل و آشفته بازار و پر از پلیدی و فساد و رنج و آزار، بشر چون مرغی است آشیان گم کرده که به اسارت و سرگردانی و بی‌خانمانی محکوم است. روح با اخگر روشنایی آسمانی، در جهانی بیگانه و دشمن خویض کرده است و در حصارش زندانی است و باید هر چه زودتر از این بند رهایی یابد» (مختاری، ۱۳۷۴: ۵۵) در این جهان بد فعل است که شاعر با پذیرش تعهدات و مسئولیتهای خود علی‌رغم اینکه به رنجهایی دچار می‌شود ولی در ورای آن به آرامش دست می‌یابد که نشان از هدفدار بودن زندگی او دارد.

شاعر جهان بیرون و درون را هیچ‌گاه خالی از درد نمی‌بیند و معتقد است که زمانی هم که عاطفه‌ی شادی بروز می‌کند در ورای آن غمی خفته است که دائماً فکر او را به خود مشغول می‌کند و آگاه است از واقعیت این جهان و رنج فراق، رنج دوری، رنج عشق و... می‌داند که باید با آنها زندگی کند آن زمان است که زندگی معنای خود را پیدا می‌کند، زندگی خارج از خیال پوچی و بی‌معنایی که در دنیای امروز نمونه‌های بی‌شماری را می‌توان در میان جوامع و افراد آن سراغ گرفت.

انسان متعهد و آگاه رنجها را می‌بیند و می‌پذیرد او تنها به خود و به غمهای خود مشغول نمی‌شود بلکه نگاه او به محیط اطراف خود برای بیان دردهای دیگران نیز هست. او از خود بیرون می‌آید حرکت می‌کند و نگاهی از سر مسئولیت، رسالت و پیامبری به تمامی عناصر وجود می‌اندازد آنچه می‌بیند در درون خود احساس می‌کند.